

حساسیت‌زدایی و سیاست‌زدایی، روند اصلاحات در حوزه حکمرانی به شکلی هموارتر پیش برود. با این حال شروطی که توسط نهادهای بین‌المللی کمک‌دهنده برای پیشبرد اصلاحات در کشورهای دریافت‌کننده ارائه شده، انتقادهای گسترده‌ای را به همراه داشته است. بسیاری از ناظران این شروط را غیراخلاقی، در قالب یک قبا برای همه، ناکارآمد و حتی آسیب‌زننده در شرایط مشخصی توصیف کرده‌اند (نک. استیگلیتز، ۱۳۸۷).

در دهه گذشته سیاست‌های کمک به توسعه از سوی ایالات متحده و اتحادیه اروپا در کشورهای در حال توسعه مفید واقع نگردید و چند پیشنهاد کلان در زمینه توسعه که غرب در انواع کشورهای در حال توسعه، مبتکر آنها بود ناکارآمد از آب درآمد. همین کافی بود تا جذابیت این مدل به چالش کشیده شود و اجماع پکن برای این کشورها جذاب گردد، الگویی که به نظر می‌رسد با نیازهای کشورهای در حال توسعه که عمدتاً اقتدارگرا نیز هستند، مرتبط‌تر است (الوند و عسگرخانی، ۱۳۹۴: ۱۵).

رهبران آفریقایی کمک‌های چین را عموماً با رویکردی مثبت و به‌عنوان «رهیافتی جدید به توسعه و تقویت همکاری‌های واقعی جنوب - جنوب» برداشت کرده‌اند (Samy, 2010: 75). حتی این ایده مطرح شده است که چین الگویی برای توسعه کشورهای آفریقایی ایدئال است (Adisuet et al, 2010: 7). اجماع پکن الگویی نوین از توسعه است که تأثیر تجربه چین بر کشورهای در حال توسعه در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین را توصیف می‌کند. رامو پیش‌بینی کرد که اجماع پکن جایگزین برتری برای الگوی توسعه آمریکایی خواهد شد. اجماع پکن الگوی توسعه‌ای را توصیف می‌کند که به چین امکان داده است به سطح بالای رشد اقتصادی بدون دگرگونی بنیادی در حکومت تک‌حزبی حزب کمونیست دست یابد (الوند و عسگرخانی، ۱۴۹: ۱۵).

در این حال شماری از منتقدان بر این باورند که اجماع پکن فاقد بنیادهای اخلاقی است و در اساس رویکردی «پراگماتیک» به توسعه اقتصادی و ثبات